قاعده لاضرر، جلسه 10

بسم الله الرحمن الرحیم

بررسی قید « علی المومن» در حدیث لاضرر

احتمالات لا در «لاضرر»، از زائده بودن و نفی جنس و لا شبیه به لیس بررسی شد؛ در مورد قید «فی الاسلام» نیز بحث شد.

اما در یک روایات قید «علی مومن» داریم؛ «لا ضرر و لاضرار علی مومن» این روایت را ابن مسکان عن زرارة نقل کرده است؛ «نقل الشیخ عن علی بن محمد بن بندار عن احمد بن ابی عبدالله –و هو احمد بن محمد بن خالد البرقی- عن ابیه عن بعض اصحابنا -این کلام موجب ارسال سند می شود.- عن بعض اصحابنا عن عبدالله بن مسکان عن زرارة عن ابی عبدالله قال لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن» ثم قد اورد علی هذا الحدیث بعدم توثیق علی بن محمدبن بندار –اما ما آن را قبول نداریم چرا که اگر چه توثیق خاص ندارد اما از مشایخ مرحوم کلینی بود مگر گفته شود که این موضوع دلیل بر اعتبار سند حدیث نیست.

اما راه حل در جمع لاضرر و لاضرار فی الاسلام / علی المومن

لکن با همه این مطالب باز هم اثبات این فقره از روایت برای ما مشکل است چرا که سایر روایات این فقره را ندارد و اصحاب ما نیز به آن اعتنا نکرده اند و ما درصدد یافتن روایتی که از امام علیه السلام صادر شده، هستیم؛ اگر ثابت شود هردو روایت ( با این قید و بدون این قید) با هم از امام علیه السلام صادر شود هر دو تعارض می کنند و به اقتضای قاعده اصولی تساقط جاری می کنیم و این دلیل از دستمان خارج می شود؛

لذا روایت «لاضرر و لاضرار فی الاسلام»، را می گیریم و صادر از امام می دانیم زیرا روایت «لاضرر و لاضرار علی المومن» اشکال سندی دارد؛ از طرفی تک روایت می باشد؛ و اکثر روایات با قید فی الاسلام می باشد.

البته عدم ضرر و ضرار بر مرمن را از طریق دلیل اولویت می فهمیم که اگر ضرر به مسلمان حرام باشد، به طریق اولی ضرر به مومن حرام است. اما اگر مومن را به معنای مسلم بدانیم که تعارضی رخ نمی دهد.

امر الثالث؛ بحث ما در این مبحث در مورد تشریح قاعده است که آیا متعلق لا نفی است یا نهی است؛ یا نفی جنس بنحو سلب موضوع بدانیم به سلب تامه یا نهی بدانیم به نفی حکم؛ اگر نهی باشد جمله اخبار در مقام انشاء می باشد؛

«اما مادة ضرر و ضرار علی ما فی کتب اللغویین فیهما فیظهر من المحکی عن الصحاح اللغة للجوهری و النهایة لابن اثیر و القاموس، ان الضرر ما یقابل النفع» ضرر را در مقابل نفع بکار برده اند و این تقابل بنحو ملکه و عدم است؛ و تقابل ملکه و عدم در جایی است که موضوع شأنیت ملکه را داشته باشد.

این سه کتاب لغت ضرر را مقابل نفع دانستند «کما انه یظهر من المصباح المنیر أن الضرر اسم مصدر و هو اسم للأثر الحاصل و المصدر الضرّ»، غُسل اسم مصدر است. اما غَسل مصدر است؛ اسم مصدر همیشه در اثر حاصل بکار می رود؛ در غُسل یک شرائطی دارد که بعد از شستن و انجام شرائط یک طهارت می آورد؛ اما در غَسل شستن است. لذا اگر ضرر اسم مصدر باشد یعنی نتیجه عمل من ضرر است؛ ضرر زدن نیست بلکه کأن ضرر باید برایش حاصل شود.

بقیه بحث در جلسه آینده عرض می شود. انشاء الله

الحمد لله رب العالمین